



درس فارح فقه استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

تاریخ: ۸ مهر ۱۳۹۴

موضوع کلی: القول فیما یجب فیہ الخمس - الرابع: الغوص

مصادف با: ۱۶ ذی الحجه ۱۴۳۶

موضوع جزئی: مقام دوم: موضوع خمس در باب غوص - جهت دوم: جنس مخرج

جلسه: ۸

سال ششم

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

یادآوری

در مقام دوم که پیرامون موضوع خمس در باب غوص بحث کردیم، گفتیم عمدتاً در دو جهت بحث می‌شود: یکی از جهت کیفیت اخراج به این معنا که آن شیء چگونه از عمق آب باید خارج بشود تا خمس به آن تعلق بگیرد، آنچه تا به حال گفتیم در مورد کیفیت اخراج بود که آیا بالغوص باید باشد یا بالآلة، آیا لزوماً از دریا باید باشد یا شامل رودخانه هم می‌شود، اما نسبت به خروج بنفسه بحث باقی مانده است، اگر چیزی از عمق آب خارج شود بدون اینکه شخص دخالتی در خارج کردن آن از آب داشته باشد آیا این متعلق خمس است یا نه؟ مثلاً اگر کسی چیزی را در ساحل پیدا کرد یا از روی سطح آب اخذ نمود، اینجا هم خمس واجب می‌شود یا نه؟ قاعدتاً این مسئله را باید در همین نقطه بررسی کنیم ولی چون امام (ره) در مسئله سوم این مطلب را بیان کرده اند ما هم احاله می‌دهیم به همان مسئله ثالثه، لذا آنجا بحث می‌کنیم که آیا خروج بنفسه موجب تعلق خمس به آن شیء می‌شود یا نه؟

جهت دوم: جنس مخرج

اما جهت دومی که در مقام دوم مورد بحث است مربوط به جنس مخرج است، این هم در واقع یک جهتی است که به تعیین موضوع خمس کمک می‌کند. ما در مقام دوم می‌خواستیم ببینیم موضوع خمس در باب غوص چیست؟ از جهتی در مورد کیفیت اخراج بحث کردیم، جهت دوم مربوط به جنس آن چیزی است که متعلق خمس واقع می‌شود، در این رابطه حیثیات مختلفی دارد که امام (ره) در ضمن مسائل آتیه به بعضی از آنها اشاره کرده‌اند:

یکی از حیثیات این است که آیا وجوب خمس مختص به لؤلؤ است یا همه جواهرات را در برمی‌گیرد، یعنی خمس فقط در لؤلؤ واجب است یا در همه سنگهای قیمتی که از عمق آب استخراج شود.

حیثیت دوم اینکه آیا وجوب خمس مختص به جواهر است یا شامل غیر جواهر هم می‌شود، مانند عنبر یا حیوان، مثل ماهی، چون ماهی ممکن است با تور صید شود و ممکن است کسی با غوص، ماهی را بیرون بیاورد، آیا اگر ماهی از راه غوص استخراج شد متعلق خمس است یا نه؟ این حیثیت را امام (ره) فی الجمله در مسئله ششم متعرض شده‌اند و ما هم در آنجا بررسی خواهیم کرد.

حیثیت سوم که مربوط به جنس مخرج است این است که آیا آن چیزی که خارج می‌شود مثل جواهر آیا باید در آب تکون پیدا کرده باشد تا خمس به آن تعلق بگیرد یا اگر تکون آن هم در آب نباشد، مثل جواهری که از کشتی غرق شده استخراج شود، خمس واجب است؟ پس حیثیت سوم مربوط به این است که آیا آن شیء خارج شده لزوماً در آب باید تکون پیدا کرده باشد یا ضرورتی ندارد؟ این مطلب را هم امام در مسئله پنجم متذکر شده‌اند.

از این سه حیثیت فقط حیثیت اول را امام اشاره نکرده‌اند، لذا بحث مختصری در مورد حیثیت اول خواهیم داشت و حیثیت دوم و سوم را به محل خودش واگذار می‌کنیم.

حیثیت اول

اما این حیثیت که مخرج در صورتی متعلق خمس است که لؤلؤ باشد و آلا متعلق خمس نیست به این جهت مطرح شده که صاحب مدارک در این رابطه فرموده که خمس فقط به غوص لؤلؤ متعلق می‌شود یعنی اگر آنچه خارج می‌شود لؤلؤ باشد خمس دارد و الا سایر جواهرات متعلق خمس نیستند. دلیل ایشان هم صحیحه حلبی است که در آن آمده: «سألت ابي عبدالله (ع) عن العنبر و غوص اللؤلؤ، فقال (ع) عليه الخمس، الحديث...»، ایشان می‌فرماید: چون در این روایت غوص لؤلؤ ذکر شده و خمس فقط در این مورد ثابت شده، بنابراین در سایر موارد خمس ثابت نیست، علت اینکه ایشان فقط به این روایت اخذ کرده و سایر روایات را نادیده گرفته، در حالی که ملاحظه فرمودید روایات متعددی در این باب وارد شده، این است که ایشان در باب حجیت خبر معتقد است صحیح اعلائی فقط حجت است و مشمول ادله حجیت خبر واحد می‌باشد و در بین این روایات تنها صحیح حلبی، صحیح اعلائی است یعنی صحیح‌های است که همه روایات آن از جهت شرایط مضبوط در مورد راوی تام و بدون عیب و نقص می‌باشند، بر این اساس ایشان سایر روایات را نادیده گرفته و صرفاً به این روایت اخذ کرده و فرموده خمس فقط در لؤلؤ واجب است «خلافاً لسائر الفقهاء».

بررسی حیثیت اول

این نظر مخدوش است و وجه اشکال در این قول هم این است که:

اولاً: اصل مبنای ایشان باطل است یعنی صرف صحیح اعلائی مشمول ادله حجیت خبر نمی‌باشد، لذا این مبنا خودش محل اشکال است.

ثانیاً: به علاوه در این باب به غیر از صحیحه حلبی یک صحیحه اعلائی دیگر هم داریم و آن روایت عمار بن مروان است، در روایت عمار بن مروان، عنوان مایخرج من البحر ذکر شده نه خصوص لؤلؤ. لذا هرآنچه که از بحر خارج شود مشمول ادله وجوب خمس است.

پس در این حیثیت اول که بحث از اختصاص خمس به لؤلؤ یا شمول آن به سایر جواهرات است، حق آن است که وجوب خمس اختصاص به لؤلؤ ندارد ولی شمول آن به غیر جواهر و نسبت به چیزهایی که در عمق آب تکون پیدا نکرده‌اند، را ان شاء الله در مسئله ششم و پنجم تحریر مورد بررسی قرار خواهیم داد.

سوال: در مورد سند روایت عمار بن مروان برخی مثل مامقانی اشکال کرده‌اند لذا نمی‌توان آن را صحیح اعلائی دانست **استاد:** درست است ولی نوعاً حتی آنهایی که در مورد روایات دیگر این باب اشکال کرده‌اند، روایت عمار را پذیرفته‌اند، به هر حال اگر کسی در سند این روایت خدشه کند اشکال اول وارد است چون اصل مبنای صاحب مدارک محل اشکال است.

«هذا تمام الكلام فى المقام الثانى»

ما تا اینجا در باب غوص از سه مطلبی که امام (ره) در این چند سطر فرموده‌اند دو مطلب را در طی دو مقام بررسی کردیم، ضمن اینکه بعضی مطالب احاله شد به مسائل آتیه، مطلب اول اصل وجوب خمس در باب غوص بود و مطلب دوم

تعیین موضوع خمس در باب غوص بود یعنی چه چیزی متعلق خمس است و چگونه باید اخراج بشود و آنچه اخراج می‌شود چه مشخصاتی باید داشته باشد؟

مقام سوم: اعتبار نصاب و مقدار آن

مقام سوم در مورد اعتبار نصاب و مقدار آن است، که این هم در متن تحریر آمده بود، ما نظیر این بحث را در باب معدن داشتیم؛ خمس در صورتی در معدن واجب می‌شود که به اندازه بیست دینار یا دویست درهم باشد، آیا در باب غوص هم نصاب معتبر است یا نه. متن تحریر این است: اول که فرمود: «الرابع الخمس...»، بعد مواردی را ذکر کرد و در ادامه فرمود: «يجب فيه الخمس اذا بلغ قيمته دینارا فصاعداً»؛ خمس واجب است در صورتی که قیمت آن به یک دینار یا بیشتر برسد یعنی حداقل ارزش آن شیء که از آب خارج می‌شود باید یک دینار باشد تا خمس واجب بشود. به دنبال این هم سه فرع مطرح کردند که ما ابتدا این را بحث می‌کنیم و بعد آن سه فرع را بررسی می‌کنیم.

اقوال:

مرحوم سید هم تقریباً همین تعبیر را به کار برده‌اند و نظر مشهور هم همین است، در مقابل مشهور دو قول دیگر هم می‌باشد.

اگر ما بخواهیم اقوال در باب نصاب خمس در غوص را ذکر کنیم به طور کلی سه قول وجود دارد که باید آنها را بررسی کنیم تا حق در مسئله معلوم بشود:

قول اول: قول مشهور است که امام و مرحوم سید هم به آن ملتزم هستند و آن اینکه نصاب معتبر است و مقدار آن یک دینار است.

قول دوم: قولی است که مرحوم صاحب جواهر آن را از شیخ مفید نقل کرده و آن این که نصاب در باب خمس معتبر است و مقدار آن ۲۰ دینار است^۱.

قول سوم: اساساً در باب غوص نصاب معتبر نیست، چه رسد به آن که از مقدار آن بحث شود یعنی آنچه که از عمق آب خارج می‌شود حتی اگر کمتر از یک دینار هم باشد خمس آن واجب است، از جمله کسانی که به این نظر ملتزم شده‌اند محقق خوئی است و بعضی از بزرگان هم این نظر را پذیرفته‌اند. عبارت محقق خوئی در حاشیه عروۃ این است: «الاحوط اخراج الخمس مطلقاً»، یعنی چه به یک دینار برسد یا نرسد، خمس مطلقاً واجب است لکن ایشان فتوا نداده بلکه احتیاط واجب کرده است.

بحث جلسه آینده: پس سه قول در مسئله وجود دارد، اول ما قول مشهور را بررسی می‌کنیم، که معتقدند که نصاب غوص برای وجوب خمس یک دینار است دلیل آن روایتی از بزنطی است که باید خوانده شود، اشکالاتی به استدلال مشهور شده، از جمله خود آقای خوئی اشکال کرده‌اند لکن باید ببینیم آیا این اشکالات به مشهور وارد است یا نه؟

تذکر اخلاقی

غدیر یک فرهنگ و اندیشه است زیرا که در این روز کسی مانند علی (علیه السلام) راهنمای بشریت قراد داده شد.

از مجموع روایاتی که در رابطه با عید غدیر و اعمال عید غدیر وارد شده و سؤالاتی که از ائمه (علیهم السلام) در این رابطه شده است معلوم می‌شود که در اوایل عصر ائمه (علیهم السلام) هنوز مردم با اهمیت روز غدیر و اینکه این روز عید است، آشنا نبودند. بر طبق این روایات ائمه (علیهم السلام) درصدد بودند اهمیت و لزوم بزرگداشت این روز را به مردم تعلیم بدهند، مثلاً در سؤالاتی که برخی از اصحاب کرده اند این مطلب مطرح شده که آیا روزی مهم‌تر و بزرگ‌تر از عید فطر و عید قربان داریم یا نه؟ ائمه (علیهم السلام) در پاسخ اشاره به روز غدیر کرده اند، یا مثلاً خود ائمه (علیهم السلام) گاهی از برخی اطرافیان و اصحاب سوال می‌کردند که آیا می‌دانید بزرگترین روز و عید نزد خداوند چه روزی است؟ نوعاً ذهن مردم در آن ایام معطوف بوده به عید قربان و عید فطر، یعنی این مقدار مسلم بوده که مثلاً عید قربان و عید فطر و تاحدودی یوم الجمعه از اعیاد مهم اسلامی بوده اند و لذا ملتزم به انجام اعمال و عبادات خاص در این روزها بوده اند، اما نسبت به غدیر، این فرهنگ وجود نداشت که این روز را بزرگ بشمارند، چون شرایط اجازه نمی‌داد و فضا، فضایی بود که امکان این مسئله وجود نداشت، لذا ائمه از هر فرصتی استفاده می‌کردند تا این حقیقت را برای مردم تبیین بکنند، به عنوان اینکه این روز بزرگترین روز برای مسلمین و مردم است، و علت آن را هم ذکر می‌کردند، برای اینکه خداوند متعال در این روز دین را کامل کرد و نعمت خود را بر مردم تمام کرد و روزی که در آن روز دین کامل شود و نعمتهای خداوند تمام بشود این روز مسلماً شریفترین روز و بزرگترین روز است.

روایتی در تفسیر فرات وارد شده که بر اساس آن، فرات بن احنف، روزی خدمت امام صادق (علیه السلام) رسید و در همین رابطه گفتگویی صورت گرفت، امام (علیه السلام) یادآور شدند که پیامبران بنی اسرائیل هر روزی را که برای خود جانشین تعیین می‌کردند آن روز را مردم عید می‌دانستند. اگر تعیین جانشین در عهد پیامبران بنی اسرائیل که قهراً جانشینی آنها در یک محدوده خاصی بوده، توسط مردم عید قلمداد می‌شد، وقتی پیامبر خاتم (صلی الله علیه و آله و سلم) که دین او خاتم ادیان و اکمل ادیان است، کسی مثل امیرالمؤمنین (علیه السلام) را جانشین خود می‌کند تا برای همه بشریت راهنما و نشانه و دلیل باشد، طبق همین روایت، قهراً این روز، مهم‌ترین عید است. در عمده این روایات وجه قرار دادن این روز به عنوان عید علامت بودن، نشانه بودن و دلالت کردن امیرالمؤمنین (علیه السلام) نسبت به بشریت قرار داده شده است، یعنی یک راهنمایی که الی یوم القيامة قرار است بشریت را به سرمنزل مقصود برساند.

غدیر در واقع یک فرهنگ و اندیشه است و اختصاص به شیعه ندارد و متعلق به همه مسلمین بلکه متعلق به همه بشریت است، غدیر عید بزرگ و برترین روز است چون در این روز شخصیتی مثل امیرالمؤمنین (علیه السلام) راهنمای بشریت قرار داده شده است.

اگر بخواهیم غدیر را پاس بداریم باید امیرالمؤمنین(علیه السلام) و مکتب اهل بیت(علیهم السلام) را به بشریت معرفی کنیم. اگر خود این حقیقت به درستی تبیین بشود تردیدی نیست که، بشریت جذب این حقیقت نورانی خواهد شد.

لذا امیدوارم، ما بتوانیم حداقل به عنوان کسانی که برای معرفی این مکتب تلاش می‌کنیم، اولاً خودمان درک درستی از این حقیقت داشته باشیم و ثانیاً بتوانیم بدرستی این حقیقت را معرفی کنیم که این مسئولیت بسیار سنگینی است. ائمه(علیهم السلام) این حقیقت را تبیین کرده و سعی می‌کردند این روز را با دادن هدایا و خلعت و طعام و انجام اعمال خاصی بزرگ بشمارند تا در اذهان باقی بماند.

راوی میگوید خدمت امام رضا(علیه السلام) رسیدیم، امام(علیه السلام) و دیگران روزه داشتند. امام(علیه السلام) همه را برای افطار نگه داشتند و برای دوستان و آشنایان خلعت و انگشتر فرستادند. به هر حال اهل بیت(علیهم السلام) هم در مقام گفتار و هم در مقام عمل این روز را بزرگ می‌داشتند. پس ریشه بزرگداشت این روز خود اهل بیت(علیهم السلام) هستند.

البته امسال با توجه به حادثه ای که برای حجاج پیش آمده این عید برای امت اسلامی بخصوص برای ملت ایران آمیخته با عزا شده چون واقعاً حادثه دردناکی بود، امیدواریم به حق مولا امیرالمؤمنین(علیه السلام) و اولاد طاهرینش خداوند به خانواده های این عزیزان صبر عنایت کند و آنها را با محمد و آل محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) محشور کند.

«الحمد لله رب العالمین»